



قهرمان کربلا چگونه بر مصائب عاشورا فائق آمد و بر کدام خاک آرمید؟

پانزدهم رجب المرجب، رحلت جان سوز عقيله بنی هاشم، بنت اميرالمؤمنين و حضرت فاطمه الزهرا(س)، اخت الحسين(ع)، شیر زن کربلا، عمه جلیله سادات، ام المصائب، حضرت زینب کبرا (س) را محضر مقدس و منور حجت بن الحسن عسکری(عج) و تمامی شیعیان و محبان آن بانوی مکرمه تسلیت و تعزیت عرض می کنیم.

پانزدهم رجب المرجب، رحلت جان سوز عقيله بنی هاشم، بنت اميرالمؤمنين و حضرت فاطمه الزهرا(س)، اخت الحسين(ع)، شیر زن کربلا، عمه جلیله سادات، ام المصائب، حضرت زینب کبرا (س) را محضر مقدس و منور حجت بن الحسن عسکری(عج) و تمامی شیعیان و محبان آن بانوی مکرمه تسلیت و تعزیت عرض می کنیم.

حضرت سجاد، زين العابدين(ع) فرمود: «عمه ام حضرت زینب کبرا(س) با این همه مصیبت و ماتم وارده از کربلا، هیچ گاه نوافلش را ترک نکرد».

در روایت های معتبر آمده است که امام حسین(ع) برای وداع نزد حضرت زینب کبرا(س) آمد و فرمود: «ای خواهر! مرا در نماز شب فراموش نکن».

امام سجاد(ع) می فرماید: عمه ام زینب در مسیر اسارت از کوفه به شام، هم فرایض و هم نوافل خود را به جا می آورد و غفلت نمی کرد. فقط در یکی از منازل به خاطر شدت ضعف و گرسنگی، نشسته نماز خواند که بعد معلوم شد، سه روز است غذا میل نکرده؛ زیرا عمه ام سهمیه یک گرده نان هر روز خود را به کودکان می داد.

عبادت و عرفان زینب

آوازه کمال، زهد، عرفان و پاک دامنی تو در همه عالم اسلام پیچیده بود، آن قدر که تو را نه با نام که با لقب هایت می شناختند. تجلی گونه گون صفت های تو چون صدف، گوهر ذاتت را در میان گرفته بود.

مردم در حافظه تاریخی خود جز مادرت زهرا(س)، کسی را چون تو نمی یافتند. از این رو، تو را صدیقه صغرا می گفتند تا فاصله و منزلت میان معلم و شاگرد، مادر و دختر، باغبان و گل معلوم باشد و محفوظ بماند.

امام حسین(ع) با آن مقام، هنگام وداع آخر به زینب کبرا(س) فرمود: «خواهرم! در نماز شب مرا فراموش نکن».

از امام سجاد(ع) نیز چنین نقل شده است: همانا عمه ام همه نمازهای واجب و مستحب خود را در طول حرکت از کوفه به شام ایستاده به جای آورد و در برخی منزل ها به سبب گرسنگی و ضعفی که بر وی عارض شده بود، نماز را نشسته خواند...

محمدجواد مغنیه، نویسنده معروف لبنانی درباره ایمان و عرفان حضرت زینب(س) می نویسد: «ایمان زینب، همچون ایمان رسول خدا(ص) بود. این سخن را از روی مبالغه نمی گویم؛ چه دلیلی بهتر از اینکه آن حضرت در شب یازدهم محرم نماز شب خود را ترک نکرد».

عفت زینب

علامه مامقانی می گوید: «زینب در حجاب و عفت یگانه دوران بود. در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا، هیچ کس از مردان، او را ندیده بود».

محمدحسین سابقی گوید: زینب در حجاب و عفاف به مرحله ای رسیده بود که هیچ گاه همسایه ها صدای او را نشنیده بودند و شخصی او را ندیده بود. آن بانو هرگاه مردم به خواب می رفتند و شب همه جا را فرا می گرفت، برای زیارت جدش پیامبر از خانه خارج می شد.

یحیی مازنی گوید: «من در مدینه مدت بسیاری همسایه حضرت علی(ع) بودم، ولی به خدا سوگند هرگز زینب(س) را ندیدم و صدای او را هم نشنیدم».

خطبه حضرت زینب(س) در شام، معجزه ولایت

ایراد یک خطبه کامل، با فصاحت و بلاغت، نوعی هنر به شمار می آید. البته در این میان شرایطی را نیز باید در نظر گرفت:

۱. وضع و حال خطیب

زینب کبرا(س) سخت افسرده و خسته و آزرده است. او در راه طولانی کوفه تا شام زحمت ها و مشقت های اداره زنان و کودکان اسیر را تحمل می کرد و صحنه های دل خراش و خون بار کربلا در نظرش مجسم می شد.

۲. شنوندگان مجلس خطابه

تعدادی از حضار مجلس یزید، حضرت زینب(س) را می شناختند و آنها همان جنایت کارانی هستند که فاجعه عاشورا را به وجود آورده اند. گروهی هم زینب(س) و همراهانش را عده ای خارجی می دانستند که مردان آنها در برابر حکومت اسلامی خروج کرده و کشته شده اند.

۳. وضع مجلس خطابه

مجلس یزید، مجلس شراب و قمار و جشن پیروزی است. مجلس تبریک و تهنیت به یزید و اهانت و جسارت به خاندان پیامبر است. مجلس بی اعتنائی به مقدسات اسلام است.

حال، ایراد آن خطابه پرشور از حضرت زینب(س) در چنین مجلسی جز معجزه ولایت چه می تواند باشد.

علاقه و محبت حضرت زینب(س) به امام حسین(ع)

سه روز از ازدواج حضرت زینب(س) و عبدالله جعفر گذشته بود، علی(ع) برای باخیر شدن از حال دخترش وارد خانه او می شود، زینب(س) را در حال گریستن می بیند. می پرسد: «دخترم مگر از این وصلت ناراحت هستی؟» حضرت زینب(س) پاسخ می دهد: نه.

علی(ع) می پرسد: «پس چرا می گری؟»

زینب(س) می گوید: سه روز است که حسینم را که جان و روحم با او پیوسته است، ندیده ام و دلم برایش می تپد.

علی(ع) به خانه می رود تا محبوب زینب(س) را نزد خواهرش ببرد. می بیند حسین(ع) در صحن خانه زارزار می گرید و قدم می زند. می پرسد: عزیزم، علت بی تابی ات چیست؟

امام حسین(ع) پاسخ می دهد: سه روز است که مونسم، زینب(س) عزیز را که جای مادر من است، ندیده ام و دلم نزد اوست. روزی حضرت زهرا(س) به پدر بزرگوارش گفت: «محبت دخترم زینب به حسین بی نهایت است، که بی دیدار حسین آرام نمی گیرد. اگر بوی حسین را نشنود، قالب تهی می کند.» وقتی رسول خدا(ص) این سخن را شنید، آه دردناکی کشید و اشک بر گونه هایش سرازیر شد و فرمود: «دخترم! این دختر (زینب) با هزار سختی به انواع بلاها گرفتار خواهد شد.»

چراغ راه

مقام معظم رهبری درباره عظمت و والایی حضرت زینب(س) و مدیریت بحران آن بانوی بزرگ می فرماید:

ارزش و عظمت زینب کبرا (س) به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، نوع حرکت او، به او این طور عظمت بخشید. زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی بهره باشد. بالاترین علم ها و برترین و صاف ترین معرفت ها در دست او بود. در آن ساعت های بحرانی که قوی ترین انسان ها نمی توانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین بن علی(ع) هم که دنیا ظلمانی شد و دل ها و جان ها و آفاق عالم تاریک گردید، این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید. زینب به جایی رسید که فقط والاترین انسان های تاریخ بشریت یعنی پیامبران می توانند به آنجا برسند.

نکته ها

هنگامی که عون و محمد، دو فرزند حضرت زینب(س) در روز عاشورا به شهادت رسیدند و امام حسین(ع) پیکر آنها را به خیمه گاه آورد، زینب(س) از خیمه خود بیرون نیامد، ولی هنگامی که پیکر علی اکبر را آوردند، از خیمه بیرون آمد و ناله ها کرد. این رفتار حضرت زینب(س)، نکته هایی در بر دارد:

۱. کسی که در راه خدا و دوستی او با خلوص کاری انجام می دهد، آن را نمی بیند. اینجا هم زینب کبرا (س) با آنکه دو نور دیده اش را از دست داده است، هرگز نامی از آنان نمی برد.

۲. کریم، بی منت کرم می کند و لئیم، پول سیاهی را با هزار منت می دهد. آن که کریم است، بهترین و گرامی ترین چیزها را با شرم می دهد، زینب(س) هم با اینکه دو دلیندش فدا شده بودند، هنوز هم خود را شرمنده حسین(ع) می داند.

چگونه سر زخالت برآورم بر دوست

که خدمتی به سزا بر نیامد از دستم

وقتی حضرت زینب(س) سر مبارک برادر را روی نیزه دید، فرمود: «ای ماه شب نخست که کمال نورانیت را تمام نکرده! دستخوش ستم جنایت کاران گشتی، دشمن، خسوف تو را به غروب نور تو پایان داد.»

حضرت زینب(س) سر برادر را به ماه شب اول تشبیه می کند تا بگوید:

همان گونه که ماه شب اول، انگشت نمای نظاره کنندگان است، تو نیز چون ماه در دیده ها جای گرفتی، همان گونه که ماه شب اول زود غروب می کند، تو هم ای ماه من! زود از آسمان انسانیت غروب کردی، هنگام خسوف نور سیمگون ماه از دیدگان

مستور می شود، تو هم ای سر مقدس! با یک شب در تنور خاکستر ماندن چون ماه گرفته می مانی. حضرت زینب(س) در مدت عمر شریفش، هفت مسافرت کرد که فقط در سفر اول آسوده خاطر و در کمال خوشی بود و آن، وقتی بود که امیرالمؤمنین از مدینه به قصد کوفه حرکت فرمود که این بانوی بزرگوار در رکاب پدرش بود.

پرسش مدفن عقيله بنی هاشم کجاست؟

در این زمینه سه نظریه وجود دارد:

الف) شام. طرف دار این نظریه تاریخی، شیخ بهایی است که علت رفتن به شام و وفات آن بانو را این طور می داند: در مدینه قحطی شدید پدید آمد و چون شوهر زینب(س) عبدالله بن جعفر که مرد سخاوتمند و باگذشتی بود بر اثر قحطی دارایی خود را از دست داده بود و دیگر نمی توانست بخشش و احسان کند، رنج فراوان می بُرد پس تصمیم گرفت با همسر خود زینب کبرا به شام که مقداری زمین زراعی در آنجا داشت، هجرت کند.

ب) مصر. این نظریه را عبیدلی از ابن عساکر دمشق و ابن طولون دمشقی روایت کرده است. پ) مدینه. عده ای همچون علامه بیرجندی و شیخ ذبیح الله محلاتی و... بر این عقیده اند که بانوی بزرگ کربلا، حضرت زینب(س) هم، مانند بسیاری از بنی هاشم، در مدینه می زیسته و در آنجا از دنیا رفته و در همان جا مدفون شده است. محمد بحرالعلوم چنین می نگارد: «تفاوتی ندارد که خورشید کجا غروب کرده. آنچه اهمیت دارد، شعاع آن آفتاب روشنایی بخش، است که در طمان، زمان، غروب نم، کند».